

حاج آقا عرب زاده و همسرش، با نذر «فاطمیه» پایگاه فرهنگی ای به نفع بانوان و کودکان محله مهرآباد راه انداخته اند

۵۰۴

تا هستیم چراغی روشن کنیم



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

با جواد کریمی، در کوچه پس کوچه های خیابان موعود قدم زدیم و خاطراتش را شنیدیم

تماشای «کانی مانگا»
در سینمای خاکی

۶



ساکنان کوچه شهید نصیری ۶ از آسفالت بی کیفیت، جمع شدن آب و خرابی خودروهایشان می گویند
مثل جاده خاکی!

۳

عزاداری هیئت شیفتگان امام هادی (ع) محله رضائیه در شب های ماه محرم ادامه دارد
مجلس عزای بی ریای محله

۷

همسایه به همسایه، دیدار سی و دوم، کوچه مالک اشتر ۲

عیار بالای دوستی

عطائی در کوچه مالک اشتر ۲ محله جلالیه، سه همسایه بابتش از چهار دهه همسایگی، تصویری زیبا از مهربانی، همدلی و مشارکت محلی ساخته اند. هر سه بانو در سال های جوانی شان از شهرهای مختلف به این کوچه آمده اند و حالا از ساکنان اثرگذار این محدوده هستند و دائم دغدغه انجام کارهای خیر، برگزاری مراسم مذهبی، پیگیری امور مسجد امام جعفر صادق (ع) و مراقبت از همسایه ها را دارند. به گفته خودشان، آن ها همسایگی را از یک سلام و علیک ساده، به سطحی از رابطه خواهرانه رسانده اند که دلشان طاقت یک روز دوری از یکدیگر را ندارد.

● یک کوچه است و یک فاطمه خانم

فاطمه رضایی هم زمان با انقلاب اسلامی، بعد از ازدواج از درگز به مشهد آمد و ساکن کوچه مالک اشتر ۲ شد. چند سالی از این محله رفت، اما دوباره برگشت. خودش می گوید: وقتی برگشتم، انگار به بهشت برگشتم. او مربی قرآن بانوان محله است و دوره های آموزشی در مسجد برگزار می کند. همچنین بسیاری از کودکان محله از او درست قرآن خواندن را یاد گرفته اند. اهل مطالعه به خصوص در زمینه موضوعات تربیتی و روان شناسی است. از مطالعه هم برای ایجاد رابطه بهتر بین اهالی استفاده می کند؛ مثلاً او اجازه نمی دهد همسایه ای با دیگری قهر باشد و چند روز پیش، دو نفر را در مسجد آشتی داده است. خوش رو، مهربان و محبوب است. آن قدر که همسایه ها می گویند: «یک کوچه است و یک فاطمه خانم». همسرش علی بهار جانباز جنگ است و این زن و شوهر طوری امین همسایه ها هستند که کلید یک خانه های کوچه را دارند.



● پیش قدم شدن در سلام دادن

فاطمه خانم همسایه بعدی را به تلاشبیه می کند و می گوید: ربابه حسنی خوش اخلاق، با معرفت و آدم افتاده ای است. او مغرور نیست و مثلاً همیشه زودتر از بقیه، سلام و احوالپرسی را شروع می کند. دستش به کار خیر است. اگر همسایه ای کم بضاعت یا سفره اش کوچک باشد، حتما حمایتش می کند. ربابه خانم بعد از ازدواج از قائن به مشهد آمده و در همین کوچه ساکن شده است. دلیل ماندنش را همسایه های خوب، نزدیکی به حرم و مسجد امام جعفر صادق (ع) می داند. او بی قرار انجام کار خیر است، به ویژه در مسجد و کنار همسایه ها. با وجود درد دستانش، همیشه برای کارهای مسجد وقت می گذارد و همراهی می کند. ربابه خانم که سال ها کنار فاطمه خانم فعال بوده و دلش بادل اهالی محله یکی است، می گوید: اگر این کوچه را ترک نکردیم، به خاطر همین آدم هایی است که مثل خانواده ام هستند.

● همسایه ای که لنگه

ندارد

سومین همسایه از قدیمی ترین ساکنان کوچه مالک اشتر ۲ است. فضا قلاسی کمی مسن تر از دو همسایه دیگر است و خانواده اش به سفره داری و برپایی مراسم مذهبی معروف هستند. همیشه در خانه شان به مناسبت تولد و شهادت ائمه (ع) مراسم برگزار می کنند. فاطمه خانم از او به عنوان الگویی در اخلاق یاد می کند و می گوید: به نظرم هر دو این عزیزان طلای بیست و چهار عیار هستند. همین را بگویم که اخلاق خوش را از فضا خانم یاد گرفته ام. ربابه خانم هم از سخاوت و اخلاق بی نظیر فضا خانم می گوید: کافی است بگویند مراسمی برای اجرای کار خیر یا برنامه مذهبی در راه است؛ فضا خانم حتما بخش عمده هزینه ها را بر عهده می گیرد. خود فضا خانم هم درباره همسایه هایش می گوید: آن قدر بی نظیرند که لنگه ندارند. از خواهر نزدیک تریم و دلخوشی مان بودن کنار هم است. دلمان طاقت نمی آورد که حتی یک روز یکدیگر را نبینیم و در روزهای گرم، عصرها پاتوق دیدارمان مسجد امام جعفر صادق (ع) است.



شهرداری پای کار مقابله با سالک

با هدف به کارگیری اقدامات پیشگیرانه در خصوص بیماری سالک و ویژه سال ۱۴۰۴، مبلغ یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال اعتبار به پویش مقابله با سالک اختصاص یافته و طی چهل روز گذشته، اقدامات متعددی در این زمینه اجرا شده است. از جمله این اقدامات می توان به اطلاع رسانی از طریق شبکه های مجازی یا راه اندازی هشت کانال اطلاع رسانی و نصب پنجاه عدد بنر در معابر مختلف و پرتداد سطح منطقه اشاره کرد. اطلاع رسانی از طریق شوراهای اجتماعی محلات نیز صورت می گیرد و در این راستا دوره های آموزشی متعددی با همکاری شورای اجتماعی محلات مختلف منطقه و مرکز بهداشت شماره ۲ در حال برگزاری است. خرید هشتاد لیتر مایع شست و شو و ضد عفونی مخازن جرمی سایه، خرید توری و پماد و اسپری دفع حشرات و چاپ ۲ هزار بروشور از دیگر اقدامات به منظور پیشگیری از ابتلا به سالک است.



شهردار منطقه ۵ از شناسایی ۴۰ انبار غیر مجاز ضایعات خبر داد

تلاش برای رفع خطر زیست محیطی

شهردار منطقه ۵ از شناسایی چهل انبار غیر مجاز ضایعات در خارج از محدوده شهرداری منطقه خبر داد. حسن صالحی مفرد گفت: فعالیت این چهل انبار غیر مجاز ضایعات، مخاطره ای جدی برای ساکنان منطقه محسوب می شود. او تصریح کرد: فعالیت این اماکن در مجاورت شهر سبب بروز انواع آلودگی زیست محیطی، بهداشتی و شهری می شود.

صالحی مفرد بیان کرد: تنها راه رفع این مشکلات، پیش بینی و اختصاص فضایی در خارج از محدوده شهر به منظور سامان دهی این انبارهاست؛ البته گشت زنی مستمر نیروهای کمیسیون بند ۲۰ و سد معبر اداره خدمات شهری منطقه ۵ طی روزهای اخیر تشدید شده است و فعالیت انبارهای ضایعات زیر ذره بین نظارت این واحد قرار دارد و با فعالیت هرگونه انبار ضایعات غیر مجاز برخورد می شود.

شهردار منطقه ۵ افزود: اگر فضای مناسب برای فعالیت این انبارها در خارج شهر در نظر گرفته شود، نه تنها معضلات موجود رفع می شود، بلکه در پاسخ به مطالبه صاحبان این انبارها برای در اختیار گذاشتن مکانی مناسب برای فعالیتشان، می توان اقدام لازم را انجام داد.

جمع آوری ۳ تن ضایعات در ۱۰ روز

شهرداری منطقه ۵ از جمع آوری و انتقال سه تن پسماند از انبارهای غیر مجاز ضایعات خبر داد. با تشدید نظارت ها و برخورد ها، در ۱۰ روز گذشته، سه تن پسماند انواع ضایعات خشک از این مراکز جمع آوری و به سازمان مپ منتقل و سه مرکز غیر مجاز نگهداری ضایعات نیز در محدوده خیابان شهید شفیعی پلمب شد. اجرای این مهم با هماهنگی و دستور مستقیم مقام قضایی و با حضور نیروهای حراست، ماده ۱۰۰ شهرداری، کمیسیون بند ۲۰، سد معبر و سایر عوامل اجرایی شهرداری منطقه ۵ صورت گرفته است.

کوچه تبدیل می شود به یک برکه. نه جوی آب درستی هست، نه شیب بندی مناسبی. چند بار با شهرداری تماس گرفتیم؛ آمدند لکه گیری کردند اما کیفیت آسفالت آن قدر نامناسب بود که دو هفته نشده، دوباره کنده شد. انگار نه انگار کاری انجام شده است. فقط ظاهرش درست می شود اما بعد، از روز اول هم بدتر می شود. حرف مشترک بیشتر اهالی این است که ترمیم های سطحی و غیر اصولی، فقط مسکن موقت اند. کوچه هایی که زیر ساخت درستی ندارند، با بارندگی های معمول هم به راحتی آسیب می بینند.

● زحمت هر روزه مادران

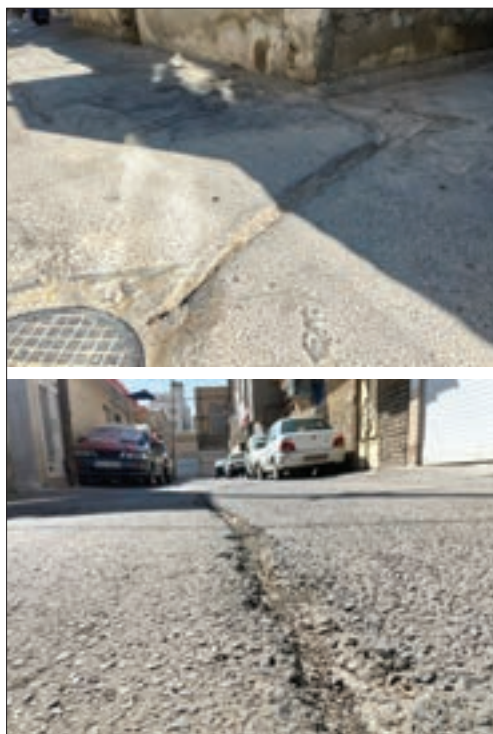
زکیه زارع یکی از مادران جوان کوچه شهید نصیری ۶ که هر بار مجبور است کالسکه نوزادش را با زحمت زیادی از میان چاله ها عبور دهد، می گوید: بیرون رفتن با کالسکه بچه در معابر این محله کار مشکلی است. گاهی چرخ گیر می کند و مجبور می شوم بلندش کنم. این طور که نمی شود. نه من توانش را دارم، نه بچه آرامش دارد.

او ادامه می دهد: ما مادرها هر روز با این معضل درگیریم. بچه های کوچک هم هنگام بازی در کوچه از این وضعیت آسیب می بینند، چون زمین ناهموار است و ممکن است زمین بخورند. وقت آن رسیده که این کوچه ها درست و حسابی آسفالت شوند.

● آسفالت ناهموار، چهره محله را زشت کرده است

حسن کاظمی، از اهالی قدیمی کوچه، هر روز شاهد مشکلاتی است که آسفالت خراب برای اهالی و رهگذران ایجاد می کند. او می گوید: بارها دیده ام که بچه ها با دو چرخه از این چاله ها رد می شوند و تعادلشان را از دست می دهند. یکی دوبار هم جلو چشم خودم موتور به خاطر همین پستی و بلندی ها منحرف شده است. با این حال، تجربه های قبلی او نشان می دهد که لکه گیری ها چندان کارآمد نبوده اند. چند باری شهرداری برای ترمیم های مقطعی دست به کار شده اما نتیجه چیزی جز وصله پینه کردن کوچه نبوده است. سطح آسفالت همچنان ناهموار است و تکه تکه به نظر می رسد. همین موضوع باعث شده محله چهره ای نامناسب و نامرتب داشته باشد.

امین تقضی، رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۶، پاسخگویی به این معضل را منوط به بازدید میدانی از این معبر اعلام کرد. شهرآرامحله در هفته های آینده، پیگیر این موضوع خواهد بود.



● آسیب دیدن خودروها روی آسفالت

یکی از ساکنان قدیمی محله مرتضی رضایی است؛ راننده تاکسی که بیشتر وقتش را در خیابان های همین منطقه می گذراند. او می گوید: من سال هاست در این کوچه زندگی می کنم. اوایل فقط یکی دو تا چاله کوچک در کف کوچه بود، اما کم کم همه جای آسفالت کوچه خراب شد. ماشینم همیشه مشکل جلوگیری پیدا می کند. یکی در میان دارم می برمش تعمیرگاه.

اوبه در دسروزهای بارانی هم اشاره می کند: آسفالت سالم نیست و با هر بار باران، آب هم جمع می شود. لاستیک ماشین که داخل این جوی می افتد، آب می پاشد به عابران. انگار در مسیری خاکی داریم رانندگی می کنیم!

● لکه گیری های بی ثمر

ساجده احمدی، از دیگر ساکنان کوچه که هر روز فرزندانش را با ماشین تا مدرسه می برد، حرف های مشابهی دارد. او با گلایه می گوید: واقعا این وضعیت خسته کننده شده است. هر بار باران می آید،

ساکنان کوچه شهید نصیری ۶ از آسفالت بی کیفیت، جمع شدن آب و خرابی خودروهایشان می گویند

مثل جاده خاکی!

نیکو عقیده | در تازه ترین حضور مسئولان منطقه ۶ در مرکز ۱۳۷، یکی از شهروندان ساکن خیابان شهید نصیری ۶ از آسفالت این معبر گلایه داشت و مسئولان قول بررسی و پیگیری دادند. شهرآرامحله نیز به منظور تهیه گزارش راهی این کوچه شد که در خیابان شهید شیروودی ۱۰ قرار دارد؛ کوچه ای باریک با خانه هایی که گرچه سال هاست ساکنانش با این وضعیت کنار آمده اند، گلایه مند هستند. اهالی این کوچه از چاله چوله هایی گلایه دارند که نه تنها ظاهر محل را نا زیبا کرده است، بلکه در روزهای بارانی، مشکل دوچندانی به وجود می آورد. نبود زیرسازی اصولی باعث می شود که با هر بار بارش، آب در بخش هایی از کوچه جمع شود و رفت و آمد را سخت تر کند.



تاب آوری، مهارت می خواهد

هفته گذشته، نشست آموزشی و مشاوره ای طرح «ترنم زندگی» با موضوع تاب آوری در زندگی مشترک در محل مسجد بعثت برگزار شد. در این نشست صمیمانه که با حضور ۲۲ نفر از مخاطبان علاقه مند همراه بود، مباحثی کاربردی درباره مهارت های تاب آوری، همدلی در زندگی مشترک و مدیریت تعارض ها مطرح شد.

نوشدن روکش آسفالت خیابان اروند۹

عملیات روکش آسفالت خیابان اروند۹ توسط اداره عمران و حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۶ و با هدف بهبود عبور و مرور و ارتقای کیفیت معابر اجرا شد. این اقدام در راستای پاسخ به درخواست های شهروندان و ارتقای زیرساخت های محلی انجام شده و چهره ای نو به این مسیر پرتدد بخشیده است.

نشست صمیمانه «زیست عقیفانه»

هم زمان با هفته عفاف و حجاب، برنامه دورهمی «زیست عقیفانه» با حضور جمعی از بانوان شاغل در شهرداری منطقه ۶ برگزار شد. محوریت این برنامه، گفت و گو درباره سبک زندگی عقیفانه، نقش بانوان در ترویج فرهنگ حجاب، و تبادل تجربه های زیست اجتماعی مبتنی بر ارزش های اسلامی بود.



سرپرست شهرداری منطقه ۶ از تغییر فضاهای ۲ بوستان بزرگ منطقه خبر می دهد

یادمان شهید گمنام

در «اردیبهشت»

عطائی سرپرست شهرداری منطقه ۶ از دو پروژه بزرگ در حال اجرا در دو بوستان اردیبهشت و بنفشه خبر می دهد. امیر رضانی با اعلام این خبر می گوید: عملیات احداث یادمان شهید گمنام در بوستان اردیبهشت با پیشرفت فیزیکی ۴۵ درصدی در حال اجراست. او ادامه می دهد: این پروژه با هدف ترویج فرهنگ ایثار و زنده نگه داشتن یاد و نام شهدای گمنام، با طراحی الهام گرفته از مفاهیم ارزشی و معماری بومی، در دست ساخت است و روند اجرایی آن تحت نظارت مستمر فنی و اجرایی ادامه دارد. رضانی همچنین از ارتقای سیستم روشنایی بوستان بنفشه در منطقه ۶ مشهد اطلاع می دهد و می گوید: بهسازی و ارتقای این سیستم شامل اقداماتی همچون حفاری و فونداسیون پایه ها می شود و تاکنون شصت پایه چراغ روشنایی در این بوستان نصب شده است.

این مسئول هدف از اجرای این پروژه را رفع مشکل سیستم روشنایی بوستان می داند که به افزایش سطح امنیت، آرامش و همچنین استفاده شهروندان از فضای بوستان در شب کمک خواهد کرد.



حاج آقا عرب زاده و هم
پایگاه فرهنگی ای به نفع بانوان و ک

تاهمه چراغی ر



سعیده ساجدی نیا | ساعت ۱۱ آموزش زبان انگلیسی تمام می شود و دخترها و پسرهایی که در این کلاس حضور دارند، به جمع و جور کردن دفتر و کتابشان مشغول می شوند. یکی از دخترها که با سینی پر از بستنی مشغول پذیرایی از هم کلاسی هایش است، می گوید: «قانون کلاس این است که آموزش حروف به شروع اسم هر کدام از بچه ها رسید، باید از بقیه پذیرایی کند. من دیدم هوا گرم است، بستنی را ترجیح دادم تا همه خنک شوند.»

دخترها یکی یکی خدا حافظی می کنند و راهی خانه می شوند اما یکی و دیگری به شمار پسرها اضافه می شود تا در کلاس روخوانی و تجوید قرآن شرکت کنند. با آمدن محبوبه خانم، مربی کارگشته قرآن، همه به خط می شوند و بدون هدر دادن وقت با صلوات بر محمد و آل محمد (ع) آموزش شروع می شود.

اینجا «فاطمیه» است؛ خانه ای که حاج علی اصغر عرب زاده و همسرش، لیلا پارسا، آن را نذر فعالیت های فرهنگی بانوان و دختران مهرآباد کرده اند و حالا یک سال از شروع فعالیتش در این محله می گذرد. هم زمان با آغاز تعطیلات تابستانی، فاطمیه به یاتوق آموزشی دختران و در برخی کلاس ها پسران تبدیل شده و مدیریت آن برعهده شهربانو سالاریان است. اهالی محله از خانم پارسا و سالاریان به عنوان «کلید داران» فاطمیه یاد می کنند.



فاطمیه را خدا برای مادرست کرد

شهربانو سالاریان کبیری پس از دو سال مسئولیت بسیج خواهران مسجد چهارده معصوم (ع)، حالا بیش از یک سال است که مدیریت امور فرهنگی و مذهبی این مکان را برعهده گرفته است. صحبت هایش را با این جمله که «در یک کلام، فاطمیه را خود خدا برای مادرست کرد»، شروع می کند؛ «در مسجد، ایده های بسیاری برای بانوان و نوجوانان داشتیم اما به دلیل برگزاری مراسم تعزیه و سایر برنامه ها وقتی با فضای به ما اختصاص پیدا نمی کرد و همیشه پشت درهای بسته می ماندیم تا اینکه به واسطه آقای رحمانی با حاج آقای عرب زاده و همسرشان، خانم پارسا آشنا شدیم.» عید غدیر بود که نیت نذر «فاطمیه» در قلب و جان حاج آقا و خانم پارسا شکل گرفت؛ دلشان می خواست برای گره زدن دل ها به هم کاری کنند؛ آرزویشان تربیت یار امام زمانی بود. آستین هایشان را بالا زدند و دوستی بر سر و روی ساختمانی کشیدند که در مجاورت منزلشان است.

محرم که شد، اولین عزاداری ها و نذرهای فرهنگی در این مکان اجرا شد و حالا بیش از یک سال است که سفره های حاجت مندی اهالی محله پهن و جشن تولد چهارده معصوم (ع) و عزای شهادت ائمه اطهار (ع) به همت حاج آقا و همسرش در فاطمیه برگزار می شود.

آرزوی به ثمر نشسته

شهربانو خانم سالاریان می گوید: بسیاری از برنامه هایی که در فاطمیه برگزار می شود، روضه ها یا مولودی هایی است که بانوان به دلیل کوچک بودن فضای خانه هادر اینجا برگزار و خودشان هم پذیرایی می کنند؛ در غیر این صورت صفر تا صد هزینه مراسمی که در مناسبت های مختلف در فاطمیه برپا می شود، از پذیرایی گرفته تا خرید هدیه را خود حاج آقا تقبل می کند؛ اصالتی گذارد آب در دلمان تکان بخورد. ولادت حضرت زهرا (س) بود و قرار شد به آن هایی که نامشان «زهرا» و «فاطمه» است، هدیه بدهیم. آماری که در آورده ایم، به چهل نفر رسید اما خانم پارسا مثل همیشه لطف کرد و دوباره هشتاد نفر، یک کیف پول که کار دست خودشان هم بود، هدیه دادند و شور و نشاط زیادی در مراسم جشن برپا شد.

از طرفی بانوان برای ورزش همگانی مجبور بودند به بوستان نصرت بروند که مسافتش برای خیلی هاد و بود و سال ها بانوان محله در آرزوی مکانی بودند که در آن ورزش کنند؛ آرزویی که یک سال پیش بانذر «فاطمیه» به ثمر نشست و حالا هر صبحگاه، برای ورزش همگانی دور هم جمع می شوند و فارغ از مشغله های زندگی، ساعتی را برای احیای جسم و روحشان زمان می گذارند.

انتخاب کلاس ها بر اساس نیازسنجی

کلاس های آموزشی بر اساس نیازسنجی ای که سالاریان انجام داد، در فاطمیه به راه افتاد و هر کدام طرفداران پروپاقرص خودش را دارد. کلاس های زبان انگلیسی دختران و پسران، قرآن یک کلاس و ویژه پسرها و دو کلاس مختص دخترها، دوره های نهج البلاغه، طب سنتی، آموزش انواع بافت مو، نقاشی، کاراته برای دخترها و ژیمناستیک برای دختر و پسر به صورت جداگانه دایر است.



همه مربیان انتخاب شده نیز دو ویژگی مهم دارند: بومی محله هستند و بهترین خودشان در آن رشته، همین نگاه موجب کیفیت مناسب آموزش هادر فاطمیه شده است؛ زیرا مربیان هم دلسوزند و هم کاربلد.

سالاریان می گوید: درست است که برای کلاس ها نسبت به دیگر مراکز، هزینه چندان از هنرجوها دریافت نمی شود اما پرداخت هزار تومان هم برای بسیاری از خانواده ها سخت است؛ به همین دلیل از مربیانی برای همکاری دعوت کردیم که در کارشان جدی باشند؛ به طوری که برویاهای بچه ها در فاطمیه صرف سرگرمی نباشد و در پس این آموزش ها نکته ای یاد بگیرند.

برای نمونه هانیه غلامی، مربی رزمی کار فاطمیه، دست کم پنجاه مدال قهرمانی را در کارنامه ورزشی اش دارد و رابطه اش با نوجوانان مثال زدنی است. کم سن ترین مربی فاطمیه هم مهدیس شادمان است که شاید ۱۰ سال بیشتر نداشته باشد اما در اداره کلاس بسیار قوی عمل می کند. خودش دوره های کامل نقاشی را گذرانده است و حالا با جدیت تمام، دانسته هایش را به بچه ها آموزش می دهد.

شما برای رضای خدا کار کن؛ ما هم کنارتان هستیم

«وقتی کار برای خدا باشد، خود خداوند قلب ها را محبوب می کند.» این تکیه کلام، اعتقاد قلبی حاج آقا است که سالاریان، خاطره ای از آن تعریف می کند: یکی دو سال پیش در جریان فشار کاری در بسیج مسجد، کم آورده بودم و می خواستم کناره گیری کنم. نمایشگاهی برگزار کرده بودیم که حاج آقا برای بازدید آمدند. بازدید که تمام شد، حاج آقا اشاره کردند به خبرهایی که به گوششان رسیده بود. خطاب به من گفتند «شما برای رضای خدا کار کن؛ مشکلی هم بود، ما کنارتان هستیم.»

همان دلگرمی ها و پای کار بودن ها، سالاریان را همچنان در این مسیر پرفراز و نشیب فرهنگی ثابت قدم نگه داشته است؛ «حاج آقا همیشه می گوید چراغ ها را تا زنده هستیم، باید روشن کنیم. وقتی رفتیم، دیگر کسی نیست چراغی برایمان روشن کند.» او قدردان همسرش، هاشم سالاریان کبیری نیز هست که برای فعالیت های فرهنگی او مانع تراشی نکرده و در این سال ها همراه معنوی شهربانو خانم بوده است.

بخشش مال در نهایت ساده زیستی

بیش از سه ساعت انتظار ما برای آمدن حاج آقا، واقف فاطمیه، به سرانجام نرسید و ایشان نیز رفتند جلودور بین حاضر شوند اما به رسم ادب هم که شده، با هماهنگی همسرشان به خانه شان رفتیم. مردی آرام که تازه از سرزمین های کشاورزی اش رسیده و هنوز نفسش چاق نشده، در گنج خانه قدیمی اش با چهره گشاده و بس نجیبانه پذیرای ماست. اصرارهای ما همچنان ادامه دارد که او حرفی بر زبان آورد و بگوید چطور شد که با وجود زندگی معمولی اش، یک خانه ۱۵۰ متری را نذر کارهای فرهنگی بانوان و دختران محله کرده است.

تنها کلامی که بر زبان جاری می کند، این است: «کار برای خدا، توفیق است و اگر فکر می کنید ماکاری کرده ایم، اجازه دهید توفیق ادامه دار باشد».

دعا کردم خداوند لذت دنیا را از من بگیرد

اعتقاد قلبی اش این است که اگر دنبال رونمایی از کارهایت باشی، دیگر آن اثر حقیقی را نخواهد داشت. می پرسیم: «آرزویتان در زندگی چه بود؟ می گوید: تنها دعايي که همیشه در حق خودم کرده ام، این بوده که خداوند لذت تجملات و زندگی دنیوی را از من بگیرد و فکر می کنم همین هم شده است. دعا کنید که تا آخر هم توفیق داشته باشیم».

درباره علت نام گذاری این مکان فرهنگی به فاطمیه اشاره به جمعه ای می کند که از نماز جمعه به خانه بازمی گشته و هنوز از صحن مطهر حرم امام رضا (ع) خارج نشده، نام «فاطمیه» به ذهنش خطور کرده است. همسرش، لیلا خانم، می گوید: حاج آقا دلش می خواهد به زودی دیوار مشترک خانه و فاطمیه را هم برداریم و این فضا بزرگ تر شود.

وقتی ریشه این صبر و بخشندگی را پرس و جو می کنیم، خانم لیلا پارسا، ماجرای را برایمان بازگو می کند: آن ها طبق عادت نمازهای صبح را در مسجد می خوانند. یک روز گویی هایشان را به شارژی زنند و به مقصد مسجد از خانه خارج می شوند. بعد از نماز، حاجی می رود که از زمین زیر کشتش خبر بگیرد و لیلا خانم برای تهیه صبحانه به خانه برمی گردد: «حوالی ساعت ۶ صبح بود. دیدم در خانه باز است و ماشینمان که ۶۰۶ بود، داخل حیاط نیست! آمدم با حاج آقا تماس بگیرم. دیدم هر سه گوشی تلفن همراه و دو دستگاه گوشی خانه و برخی وسایل برقی مان را تا جایی که در ماشین جامی شده، سرقت کرده اند. وقتی حاج آقا خودش را رساند، هیچ واکنش خاصی نشان نداد. خسارتی که دیده بودیم، در حدی بود که حتی برخی آشناها گفته بودند اگر این ها از فشار عصبی سکنه می کردند، طبیعی بود اما حاج آقا تنها حرفی که مثل همیشه زد، این بود که، هر چه خدا بخواهد، همان می شود».

لیلا خانم در همه سال های زندگی مشترک با حاج آقا از این برخورد ها از همسرش بانهش زیاد دیده است: اینکه در مسیر رفت و آمد به مسجد با حس خوب، پسر بچه ها را برای اقامه نماز به مسجد دعوت می کند؛ آن ها هم به حاجی می گویند، شما بروید، ما بعد خدمت می رسیم!؛ باز در مسیر برگشت به خانه، حاج آقا به آن ها می گوید: من رفتم، اما شما نیامدید!؛ یاد نمونه دیگری، مستأجری داشتند که هیچ سالی، حاج آقا برای تمدید و افزایش اجاره بهایش تماس نمی گرفت. معتقد بود اگر داشته باشند، خودشان اعلام می کنند. اما از طرف آن ها هم خبری نمی شد تا اینکه همسایه ها خبر آوردند فلانی خانه را تخلیه کرده و رفته است. آن موقع با حاج آقا رفتند، دیدند بلیه خبر، درست بوده و خانه با کلی تخریب خالی شده است.

سرش، با نذر «فاطمیه»
نودکان محله مهرآباد راه انداخته اند

ستیم و شن کنیم



محبوبه مقیمی، مربی قرآن

سرو صدای پسر بچه ها حالا با آمدن مربی قرآنشان، محبوبه خانم کمی آرام تر می شود. محبوبه خانم مقیمی سال هاست در حوزه آموزش قرآن فعالیت می کند و مادران همین بچه ها را هم خودش در زمینه روان خوانی و تجوید آموزش داده است.



او دانش آموزان دوره های تربیت معلم قرآن است و با مدرک تخصصی «کار با کودک» از تنها زمان های فراغتش برای آموزش قرآن به پسر بچه ها می گذارد و فعالیت در فاطمیه را روزی خودش می داند و می گوید: آموزش به پسر ها کار هر کسی نیست و گاهی حتی مربیان مرد هم زیر بار نمی روند اما خدا را شکر که روند آموزش اینجا خوب پیش می رود. او از واقف فاطمیه به عنوان یکی از خیران بزرگ محله یاد می کند و می گوید: بانوان برای برنامه های فرهنگی شان همیشه در مضيقه هستند و فضای مساجد بیشتر در اختیار آقایان است اما با روشن شدن چراغ فاطمیه به دست حاج آقا عرب زاده و همسرشان خانم پارسا، حالا فاطمیه به پایگاه فرهنگی بانوان در محله تبدیل شده است.

خانم سالاریان، دلسوز اهالی محله

مهناز هدیه، مادر یکی از پسران شرکت کننده در دوره آموزش قرآن و زبان «فاطمیه» است. می گوید: کلاس ها مختص دختران است و پسر بچه ها فقط می توانند از این دو کلاس استفاده کنند. در غیر این صورت باید مسیری طولانی را برای رفتن به کلاس زبان طی می کردند و علاوه بر این هزینه های سنگینی هم به خانواده ها تحمیل می شد. به گفته مهناز خانم، از محرم سال گذشته، برویای بانوان و دختران محله به این مکان که «فاطمیه» نام گرفت، شروع شد. همه جشن ها، عزاداری ها و هر دورهمی ای که مربوط به فعالیت های فرهنگی زنانه است، در فاطمیه برگزار می شود و حال و هوای خانواده ها را متحول کرده است.

برگزاری انواع کلاس های آموزشی که اهالی درخواست کرده اند، از همان سال گذشته، برای متقاضیان برنامه ریزی و آغاز شد و امسال دومین تابستانی است که دختران و حتی پسران کمتر از پانزده سال، امکان شرکت در دوره های آموزشی مورد علاقه خود را دارند. او از خانه واقف که دیوار به دیوار، فاطمیه است، می گوید که برای هر مراسم و روضه ای، در آنجا هم به روی اهالی باز است و از هیچ خدمت و همراهی ای برای برگزاری امور فرهنگی بانوان دریغ نمی کنند.



مهناز خانم به مدیریت خانم سالاریان نیز اشاره می کند و می گوید: همه دوندگی های مربوط به برنامه های فرهنگی و آموزشی بر عهده خانم سالاریان بود و اگر تلاش او نبود، فاطمیه این قدر خوب سامان نمی گرفت. حقیقتا ایشان دلسوز اهالی محله است و با همین روحیه توانسته دختران نوجوان را جذب این مرکز فرهنگی کند.



با جواد کریمی، در کوچه پس کوچه های خیابان موعود قدم زدیم و خاطراتش را شنیدیم

تماشای «کانی مانگا» در سینمای خاکی

محلله گردی

سال‌های پیش، درست در جایی که حالا ساختمان مرکز بهداشت شماره ۵ در محروقی ۹ قرار دارد، یک آب بند بزرگ وجود داشت که اهالی محله به آن «تلخ» می‌گفتند. جوی آبی از دل آن می‌گذشت و به سمت زمین‌های کشاورزی می‌رفت. مابچه هادر تابستان‌های داغ، در آب آن غوطه می‌خوردیم. سال ۱۳۶۰ این زمین راصاف کردند و ساخت و ساز آغاز شد.



ایستگاه اول

نیکو عقیده | جواد کریمی تقریباً همه زندگی‌اش را در محله کنه بیست گذرانده است. ۴۴ سال پیش، وقتی کودک بود، همراه خانواده‌اش از یکی از محله‌های اطراف حرم به اینجا نقل مکان کردند؛ همین جامدرسه رفت، ازدواج کرد، بچه‌هایش را بزرگ کرد و هنوز هم در همین خیابان زندگی می‌کند. بعد از تمام شدن درس و مدرسه‌اش در سال ۱۳۷۰، کتاب‌فروشی‌اش را هم در این محله راه‌اندازی کرد و حالا از این شغل، روزگاری می‌گذراند. اما اوفقاً یک کتاب‌فروش ساده نیست. دلش برای محله‌اش می‌تپد. عضو هیئت امنای مسجد قمر بنی هاشم (ع) است. دغدغه مند و فعال اجتماعی و چهره‌ای آشنا برای همه اهالی. حالا که از گذشته‌اش می‌گوید، می‌شود درد خاطراتش را در تک تک کوچه‌های محله‌اش دید؛ محله‌ای که در گذشته به خیابان صاحب الزمان (عج) معروف بود و بعدتر موعود نام گرفت.

ایستگاه دوم

موعود ۱۱ در گذشته به «کوچه مالک» معروف بود؛ کوچه باغی سرسبز که دو طرف آن را درخت‌های توت فراگرفته بود. مابچه‌ها از شاخه‌های درختان بالا می‌رفتیم، آویزان می‌شدیم و دست‌هایمان را از توت‌های شیرین و رسیده پُر می‌کردیم. سایه درخت‌ها، خنکای خوشایندی به کوچه می‌داد.



ایستگاه سوم

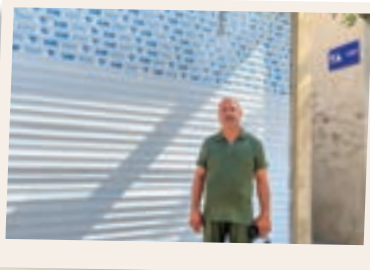
ایستگاه چهارم

اوایل دهه ۶۰، در جایی که امروز مدرسه «منظومه دانش» در ابتدای موعود ۲۱ ساخته شده است، یک زمین خاکی وسیع وجود داشت. مالک زمین، آقای به نام یوسفی بود. در گوشه‌ای از زمین چند صندلی چیده بودند و روی یکی از دیوارها با پروژکتور فیلم پخش می‌کردند؛ همان جابوده که اولین تجربه من از تماشای فیلم رقم خورد. اولین فیلمی که دیدم «کانی مانگا» بود.



ایستگاه پنجم

در ابتدای کوچه موعود ۲۸، زمانی شعبه نفت محله قرار داشت. «یحیی نفتی»، هر هفته باتانکر پر شده می‌آمد و ما، کوپن به دست، در صف‌های طولانی می‌ایستادیم تا نوبتمان برسد و سهممان را بگیریم. صف‌ها طولانی بود، اما بخشی از زندگی ما شده بود.



ایستگاه ششم

حمام صاحب الزمان (عج)، روزگاری پررفت و آمدترین نقطه محله به شمار می‌رفت. هر هفته، حوالی ساعت ۵ صبح همراه پدرم به آنجا می‌رفتیم. گاهی تا ساعت ۱۰ باید منتظر می‌ماندیم تا نوبتمان برسد. صاحب حمام، حاج محمد نخعی بود. پسرش، احمد رضا هنوز در همین محله زندگی می‌کند. ما، در حوض‌های کوچک حمام، بازی می‌کردیم. در این حمام در سال ۱۳۸۴ برای همیشه بسته شد.



خیابان موعود ۳۶، زمانی به «کوچه دباغی» معروف بود. به جای این خانه‌های امروزی، فقط یک کارگاه دباغی بود و زمین‌های کشاورزی. آنجا، پوست حیوانات را تیماج می‌کردند؛ مرحله‌ای از فرایند تبدیل پوست به چرم. بوی تند مواد دباغی و آب‌های مانده، فضای اطراف را پرمی‌کرد. با افزایش جمعیت و ساخت و سازهای پیاپی، آن فضا کم‌کم جای خود را به خانه‌ها داد.





عزاداری هیئت شیفتگان امام هادی (ع) محله رضائیه در شب‌های ماه محرم ادامه دارد

مجلس عزای بی‌ریای محله

عطائی/در کوچه‌ای خلوت به نام وحدت ۱۰، برای ششمین سال پیاپی، شب هاسدا ی روضه و نوحه به گوش می‌رسد؛ نوای دل‌نشین که در طول محرم و صفر ادامه دارد. همین ویژگی هیئت شیفتگان امام هادی (ع) بود که پای ما را به محله رضائیه کشاند؛ جایی که اهالی اش عادت کرده‌اند در طول دو ماه، حال و هوای عزاداری سید و سالار شهیدان را در محله‌شان احساس کنند.

● مهمانانی از محلات مختلف

برگزاری عزاداری آن هم داخل کوچه وحدت ۱۰ سنتی است که از دل محدودیت‌های دوران کرونا بیرون آمده است. سید عباس مؤذن، مسئول هیئت شیفتگان امام هادی (ع)، درباره آغاز برگزاری مراسم می‌گوید: در ایام کرونا، محدودیت‌هایی برای تجمع در فضاهای

بسته وجود داشت و همین موضوع باعث شد تصمیم بگیریم مراسم را به فضای باز منتقل کنیم. این تصمیم حالا به سنتی شش ساله تبدیل شده است. به اعتقاد او، برگزاری مراسم پس از دهه اول محرم باید ادامه داشته باشد.

اومی‌گوید: بعد از روز عاشورا، هیئت‌ها کمی خلوت‌تر می‌شوند؛ اما این ایام هنوز محرم است و این روزها هم به عزاداری برای شهدا و اسیران کربلا اختصاص دارد.

حمید صفری، یکی از فعالان فرهنگی محله رضائیه، درباره استقبال مردم می‌گوید: هر شب حدود ۱۲۰ نفر در این مراسم شرکت می‌کنند. بیشتر آن‌ها از اهالی محله هستند، اما مهمانانی هم از محله‌های دیگر و حتی از نقاط دورتر شهر به اینجا می‌آیند. حال و هوای معنوی هیئت باعث جذب جمعیت زیادی شده است.

● فرصتی برای دیدارها

محمد رحیمی، یکی از چهره‌های پرتلاش این هیئت، می‌گوید که پانزده سال پیش به مشهد آمده و از همان روزهای نخست، دلش باین هیئت گره خورده است. فقط در قالب مهمان حضور ندارد، بلکه عاشقانه پای کار خادمی ایستاده است و از لوله‌کشی و سیم‌کشی گرفته تا فرش پهن کردن و کمک

به تدارکات را انجام می‌دهد. او هر روز از ساعت ۲ ظهر می‌آید و تا نیمه شب می‌ماند. وقتی از انگیزه‌اش می‌پرسیم، می‌گوید: هر دقیقه‌اش ثواب و حال خوب است. اینجا همکاری می‌کنیم که برای دلمان است.

زهرا رئیس‌ان از بانوان محله است که هر سال در این گونه مراسم حضور دارد. او مداحی‌های هیئت را دل‌نشین و آرامش‌بخش توصیف می‌کند و حضور در این مراسم را فرصتی برای دیدار و هم‌صحبتی با همسایه‌ها می‌داند.

زهرا فراهی هم تجربه عزاداری در کنار فرزندان خردسالش را چنین تعریف می‌کند: برخورد خادمان هیئت بسیار صمیمی و محترمانه است. حتی وقتی شلوغ می‌شود، باز جایی برای نشستن پیدا می‌کنند و هیچ‌کس با بچه‌هایمان برای شلوغ‌کاری یا سروصدا تندی نمی‌کند.

هر شب حدود ۱۲۰ نفر در این مراسم شرکت می‌کنند که بیشتر آن‌ها از اهالی محله هستند. اما مهمانانی هم از محله‌های دیگر به اینجا می‌آیند

● مجلسی بی‌ریا و صمیمی

محمد خونیکی، یکی دیگر از حاضران مراسم، مجلس این هیئت را صادقانه و صمیمی می‌داند. او از محتوای روضه‌ها و نوحه‌ها به عنوان نکته‌ای تأثیرگذار یاد می‌کند و می‌گوید: این روضه‌ها از دل برمی‌آیند. بی‌ریا هستند و مجالی‌اند برای دیدار و صله رحم میان همسایه‌ها. اینجا روضه، دیدار، خدمت و اخلاص در هم گره خورده‌اند.



۷۰ نفر از کودکان منطقه ما قرار است به گروه سرود بزرگ «ایران خراسانی» بپیوندند

«ای ایران» با آوای کودکان

نیکو عقیده آنچه‌ها، دست‌در‌دست‌پدر و مادرهایشان، یکی یکی وارد فرهنگ سرای غدیر می‌شوند. بعضی‌ها هنوز خواب از سرشان نپزیده، برخی هم از هیجان برق توی چشم‌هایشان افتاده. از روزهای قبل در خانه سرود «ای ایران» را تمرین کرده‌اند و حالا قرار است یک تمرین گروهی داشته باشند.

ساعت هنوز ۹:۳۰ نشده که سالن آمفی‌تئاتر آرام آرام پر می‌شود. صدای پیچ‌پیچ بچه‌ها بلند است و بعضی از والدین مشغول گرفتن عکس از بچه‌هایشان هستند. مربی سرود آواز می‌رساند و شروع تمرین را اعلام می‌کند.

بچه‌ها قرار است کنار هم روی سن بروند، صداهایشان را با هم هماهنگ کنند. یک گروه واحد شوند و سرود «ای ایران» را اجرا کنند. اما این فقط یک تمرین ساده نیست. قرار است اجرای نهایی را در سالن صداوسیما ضبط کنند؛ قرار است تجربه‌ای مشترک بسازند که شاید تا سال‌ها در خاطرشان بماند؛ اولین باری که ایستاده‌اند کنار هم و برای ایران آواز خوانده‌اند.

● نگاه‌های مشتاق مادران

مادرها با اشتیاق و هیجان به فرزندان‌شان که روی سن ایستاده‌اند، چشم‌دوخته‌اند. بایکی از مادرها هم کلام می‌شوم، مریم‌آقایی، ساکن محله مصلی، می‌گوید از طریق کانال فرهنگ‌سرا از تشکیل این گروه سرود خبردار شده و پسر نه ساله‌اش، اشتیاق خودش را برای شرکت

در برنامه اعلام کرده است؛ «محمد صدای خوبی دارد. در کلاس قرآن هم شرکت می‌کند. تا حالا چند بار در صحن امام خمینی (ره) حرم مطهر، برای جمعیت قرائت کرده. باین فضاها آشناست، برای همین هم استرس ندارد.»

بعد از تمرین، فرصت پیدای کمی با خود محمد نظام دوست هم‌گپ بزنم. همان‌طور که مادرش گفته بود، از همان نگاه اول پیداست که از اعتماد به نفس خوبی برخوردار است. بالبخند جوابم را می‌دهد: از دو روز پیش جلوانه می‌ایستم و سرود می‌خوانم. همیشه دلم می‌خواست در گروه سرود شرکت کنم و حالا این اتفاق افتاده.

کمی آن طرف‌تریکی دیگر از شرکت‌کننده‌های ستاده است. نورایحانی هشت سال بیشتر ندارد اما با تسلطی فراتر از سنش به سؤال‌هایم پاسخ می‌دهد. او هم با مادرش از خیابان علیمردانی آمده است و می‌گوید آمده تا با خواندن این سرود، عشقش به کشورش را نشان بدهد و استعدادش را هم به دیگران معرفی کند؛ در خانه برای خودم زیاد شعر و آواز می‌خوانم. اما این اولین بار است که کنار بقیه بچه‌ها سرود می‌خوانم. استرس دارم، اما خوشحالم.

● ضبط نهایی در صداوسیما

سید مجتبی ذبیحی، مربی و مدیر این گروه سرود، با حوصله پاسخ سؤال‌ها را می‌دهد. می‌گوید نام گروه را «ایران خراسانی»



گذاشته‌اند؛ گروهی که قرار است در نهایت هزار عضو داشته باشد. البته امروز، در این نوبت تمرین، تنها هفتاد نفر حضور پیدا کرده‌اند. ذبیحی توضیح می‌دهد که این برنامه فقط به فرهنگ سرای غدیر محدود نمی‌شود و توضیح می‌دهد: در فرهنگ‌سراهای دیگر هم همین روند در حال اجراست. قرار است بچه‌ها از همه این مراکز جمع شوند و تمرین نهایی در سالن صبا صداوسیما برگزار شود. همان‌جا هم اجرای نهایی ضبط خواهد شد. برای پخش در تلویزیون.

حسن زاده، مدیر فرهنگ سرای غدیر، از استقبال پر شور خانواده‌ها می‌گوید: به ویژه از لحظه‌ای که متن فراخوان در کانال فرهنگ‌سرا منتشر شده است، پیام‌های یکی پس از دیگری رسیده‌اند؛ این کار، هم فرصتی برای بروز استعداد‌های بچه‌هاست، هم مشارکت آن‌ها را در اتفاقات فرهنگی و اجتماعی اخیر پرتنگ‌تر می‌کند.

او معتقد است همین تجربه ساده می‌تواند در ذهن بچه‌ها ماندگار شود و حس تعلق به اجتماع را در آن‌ها تقویت کند.

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

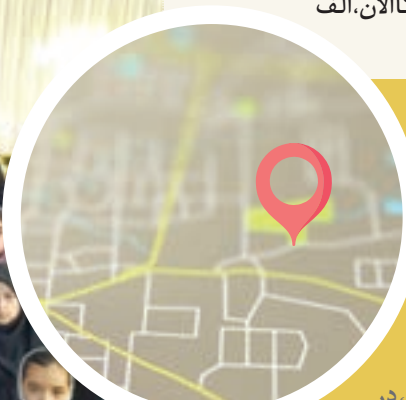
مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



در یکی از کلاس‌های آموزشی قرآن ویژه دختران، فائزه حسینی و سمانه حسینی، دو دوست نوجوان کنار هم نشسته‌اند. برای این بچه‌ها، قصه‌های پیامبران مثلاً داستان زندگی حضرت موسی^(ع) خیلی جذاب و شنیدنی است.



محمد مرسلی از طریق آگهی اطلاع یافته است که این کلاس‌های تابستانی برگزار می‌شود. او که در کلاس زبان انگلیسی و روخوانی قرآن کریم ثبت نام کرده، می‌گوید: در کلاس روخوانی تا الان، الف، مدی، تنوین، تشدید و ساکن را یاد گرفته‌ام.



جمعه‌های بچه‌های محله شهید آوینی به یادگیری روخوانی قرآن، بازی و هنرآموزی می‌گذرد

تابستانی آموزشی و تفریحی

عطائی حدود صد نوجوان جمعه‌شان را صبح و عصر این‌جا می‌گذرانند. در مؤسسه قرآنی، فرهنگی و ورزشی «نقا» در محله شهید آوینی و در برنامه‌ای با عنوان «جمعه‌های امید»، عده زیادی به هدف یادگرفتن روخوانی و روان‌خوانی قرآن در کلاس هائیت نام کردند. اما بعد مشتاق کلاس‌های دیگری مثل خوش‌نویسی، نقاشی و آموزش فوتبال هم شدند. این مؤسسه قرار است دوره‌های ریاضیات و بازی فکری هم برای مخاطبان برگزار کند.

برنامه جمعه‌های امید از ابتدای سال جاری با همکاری این مؤسسه و شورای اجتماعی محله شهید آوینی برگزار می‌شود. معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵ جوایز بچه‌ها را تأمین می‌کند.



امیرحسین برومندفر، رئیس شورای اجتماعی محله شهید آوینی و مجتبی افتخاری، مدیر مؤسسه نقا، دو رکن اساسی برگزاری این برنامه هستند. برومندفر می‌گوید: هدف ما از برگزاری برنامه جمعه‌های امید، ابتدا آموزش قرآن و دوم بازی و شادی بچه‌هاست که باعث رشدشان می‌شود.



عکس: نسیم محمد عطائی/شهرآرا

محمد خاوری حدود یک ماه روخوانی و روان‌خوانی را تمرین کرده است و حالا در مقابل بچه‌ها چند آیه‌ای تلاوت می‌کند.